

انقلاب مخملی در چکسلواکی 1989

CZECHOSLOVAKIA'S VELVET REVOLUTION (1989)

LESTER KURTZ

ICNC SUMMARY
TRANSLATION: ICNC, MOHSEN SAZEGARA (TRANSLATOR), MARCH 2008

TRANSLATOR'S NOTES

انقلاب مخملی در چکسلواکی 1989 Velvet Revolution in Czechoslovakia

لستر کورتز

مارس 2008

خلاصه مبارزه:

تنها یازده روز بعد از هفدهم نوامبر 1989، زمانی که پلیس ضد شورش دانشجویان تظاهرات کننده را در پراگ کتک زد، حزب کمونیست از قدرت عقب نشینی کرد و اجازه داد دولت تک-حزبی این کشور سقوط کند. تا 29 دسامبر 1989، آنچه «انقلاب مخملی» خوانده می شود و توسط ائتلاف بی خشونت "اجتماع مدنی" رهبری می شد، واسلاو هاول را از یک نمایش نویس مخالف به رییس جمهور دموکراتیک این کشور تبدیل کرد.

رویداد هفده نوامبر با بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت جان اوپلتال دانشجوی کشته شده توسط نیروهای اشغالگر آلمان نازی آغاز شد. او به نماد مقاومت مردم چک بدل شده بود. این بزرگداشت از طرف دولت منع شده بود. تظاهرات ضد نازی به اعتراض ضد کمونیستی بدل شد و سرانجام به پیدایش یک جنبش انجامید. پس از آن که مراسم رسمی خاتمه یافت، اعتراض کنندگان به سوی مرکز شهر پراگ راه افتادند و مسیر خود را تا میدان نمادین ونسلاس Wenceslas Square ادامه دادند تا با پلیس ضد شورش که آماده برخورد با آن ها بود رو به رو شدند. اگرچه اسناد مخفی مانده، اما به نظر می آید یک افسر نیروی امنیتی که در پوشش دانشجویی معترض ظاهر شده بود وانمود کرد کشته شده و شایعه این که پلیس یکی از دانشجویان را کشته، آتش خشم معترضان را برانگیخت.

هاول جلسه ای فوری برای فعالین سازمان فصل 77 – درباره این سازمان به تفصیل در زیر توضیح داده می شود - در تئاتر مجیک لانترن تشکیل داد. حاصل این جلسه اعلام موجودیت «اجتماع مدنی» یا Civic

Forum بود. این سازمان برنامه ریزی برای کنش های مردمی و تظاهرات های عمومی را به عهده گرفت؛ کنش هایی نظیر تکان دادن کلید به معنی زنگ پایان کار رژیم از این جمله بود. جنبش یک اعتصاب دو ساعته را ده روز بعد از هفده نوامبر تشکیل داد که نشان دهنده وسعت و عمق مخالفت ها علیه دولت بود و مذاکرات با نمایندگان حزب کمونیست و دولت را تحت تاثیر قرار داد. این پیشرفت های آرام به استعفای دفتر سیاسی-Politburo - انجامید. سرانجام با شکست حاکمین در انتخابات، حکومتی دموکراتیک پدید آمد.

تاریخ سیاسی:

چکسلواکی بعد از جنگ جهانی اول به عنوان یک کشور مستقل از امپراطوری اتریش- مجارستان، جدا شد. پس از استقلال و همکاری مقطعی با آلمان نازی در جنگ جهانی دوم، پس از این جنگ، به قسمتی از بلوک شرق تحت حمایت شوروی در اروپای شرقی، تبدیل شد.

در بهار معروف پراگ در سال 1968، اصلاحات وسیعی در حکومت چکسلواکی به وقوع پیوست که الکساندر دوبچک Alexander Dubcek را در راس داشت. اگرچه در برابر اصلاحات دهه 1980 گورباچف در شوروی، اصلاحات بزرگی در جریان نبود، اما حقوق بشر و آزادی مطبوعات تشویق شد و جامعه مدنی فرصتی برای رشد و نمو پیدا کرد. این اصلاحات برای رژیم شوروی در آن زمان بیش از اندازه زیاد بود، و در اوت 1968، نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی لشکرکشی کردند. مقاومت مدنی بی خشونت توسط چک ها هزینه اشغال را برای شوروی بالا برد و کنترل کامل را برای هشت ماه متوقف کرد. سرانجام، پس از تجاوز 1968، سرکوب گرتترین رژیم اروپای شرقی به قدرت رسید و اصلاحات پیش از دوران تجاوز را به کلی از میان برد. محدودیت های شدیدی بر فعالیت های اقتصادی و آموزشی

اعمال شد و آزادی بیان حتی در مقایسه با کشورهای کمونیست همسایه نیز به شدت کاهش یافت. آن طور که لاوسون می نویسد: در خلال سال های 1945 تا 1989، 250 هزار نفر از مردم چک به جرم های سیاسی زندانی شدند. 243 نفر اعدام شدند، سه هزار نفر در زندان ها، کمپ های کار اجباری و معادن مردند، چهارصد نفر در تلاش برای عبور از مرز کشته شدند و 22 هزار نفر به اردوگاه های کار اجباری فرستاده شدند.

مقاومت علیه حکومت خودکامه در دوران کمونیستی ادامه یافت. از جلسه های خانگی که از دهه پنجاه تشکیل می شد تا سازمان فصل 77، سازمانی که برای نظارت بر کار حکومت در زمینه حقوق بشر و در قالب کنفرانس هلسینکی ایجاد شد. حلقه ای از روشنفکران تشکیل شد. این حلقه روشنفکران اروپایی را به خود جذب می کرد تا در جلسات خانگی سخنرانی کنند. مخالفت با رژیم در ابتدا بیشتر فرهنگی بود تا سیاسی، بعد از سال 1968 به سبب شدت سرکوب حکومت، مخالفت گاهی در تئاتر و موسیقی خودنمایی می کرد. یک ماه پس از تجاوز شوروی در اوت 1968، موسیقی راک به رسانه ای برای بیان مخالفت های سیاسی تبدیل شد. از جمله گروه راک که از مبارزات زیرزمینی مخملی الهام می گرفت، "مردم پلاستیکی دنیا" بود. این گروه صورت های خود را رنگ می کردند و توغای- لباس رومیان باستان- ساتن به تن می کردند و آهنگ هایی اعتراضی خود را به زبان انگلیسی می نوشتند. زمانی که در سال 1976 زندانی شدند، واسلاو هاول تلاش برای آزاد شدن شان را به عهده گرفت.

کنش های استراتژیک:

شاخص متمایزکننده کنش های انقلاب مخملی، تظاهرات عظیم و متعدد بود. تظاهراتی که تا یک میلیون نفر را در کشور 16 میلیون نفری چک اسلواکی به خیابان می آورد. همین طور تکان دادن کلید در

عرصه های عمومی به نشانه مقاومت تبدیل شد. بیشتر این طرح ها از طرف نمایش نامه نویس نامی واسلاو هاول ارائه می شد. دهه ها مخالفت زیرزمینی و سازماندهی مخالفت ها به صورت پنهانی، در نوامبر 1989 فوران کرد و خاطره مقاومت در برابر نازی ها و کمونیست ها را زنده کرد. جنبش ریشه هایی در ساختارهای موازی داشت؛ به ویژه در تئاتر انتقادی، موسیقی و سخنرانی های خانگی که در طی بدترین سال های سرکوب و خفقان، روح مقاومت را در میان روشنفکران و فرهنگیان زنده نگه داشته بود.

بیست و یک سال پس از شکست اصلاحات چک کمونیستی در سال 1968 که با حمله نیروهای پیمان ورشو به پراگ عقیم مانده بود، دانشجویان در یادمان دانشجویی که توسط نازی ها کشته شد، به یاد بهار پراگ در سال 1968 و خفقان پس از آن، در شهر تظاهرات کردند. دانشجویان با ماشین های آب پاش و گازهای اشک آور پلیس مواجه شدند، اما با همه این ها دانشجویان کنش های دیگری نیز ترتیب دادند. تظاهرات و تجمع ها به موازات سازمان دهی مردمی در میان دانشجویان و بازیگران، در سراسر کشور ادامه یافت. شایعه مرگ یک معترض به عصبانیت و سازماندهی بیشتر منجر شد. تظاهرات عظیم، مذاکره با حکومت و رهبران حزب کمونیست، کار را به جایی رساند که دفتر سیاسی را مجبور به استعفا کرد و حکومت جدیدی که غیرکمونیست ها در آن اکثریت داشتند، تشکیل شد.

تیموتی گارتین آتش نویسنده بریتانیایی که از نزدیک شاهد انقلاب بود می نویسد: "انقلاب مخملی، آرام و کاملاً بی خشونت، لذت بخش و خنده دار بود."

برخی از کنش های استراتژیک عمده این کمپین مقاومت مدنی عبارت بودند از:

اعتراض و ترغیب:

- تظاهرات مردم.
- تکان دادن کلید به صورت عمومی به عنوان نمادی از زنگ پایان رژیم.

- انتشار زیرزمینی نوشته های هاول و دیگر روشنفکران.
- استفاده از ماشین تحریر و ماشین های فتوکپی برای چاپ و انتشار شبنامه ها و اعلامیه ها و مطالب اعتراضی.
- خواندن آهنگ های ممنوع شده موسیقی دان های ممنوعه و در تبعید، در جمع های عمومی و چاپ آن در اعلامیه ها.
- بازیگران و دانشجویان تئاتر به روستاها و دیگر مناطق می رفتند تا مردم این مناطق را نسبت به کنش ها آگاه کنند.
- کاردینال "توماسک" در یک دعای یکشنبه اعلام کرد کلیسای کاتولیک در کنار ملت ایستاده است.
- مذاکره با مقامات حکومتی.
- حضور عمومی الکساندر دوبچیک، رهبر اسطوره ای اصلاحات 1968 که با تجاوز پیمان ورشو نیمه کاره ماند.
- استفاده ماهرانه از رسانه ها، از جمله مطبوعات رسمی، برای گسترده کردن نارضایتی و اطلاع رسانی درباره تظاهرات.

عدم همکاری

- اعتصاب ها و تحریم ها توسط دانشجویان، هنرمندان و بازیگران.

- اعتصاب عمومی دوساعته برای نشان دادن این نکته که اعتراضات در ابعاد ملی مطرح است و از سطح دانشجویان بسیار فراتر رفته است.

مداخله های بی خشونت

- تظاهرات عمومی و تصرف میدان ونسلااس که برای مردم جنبه نمادین داشت.
- تظاهراتی که ساختمان پارلمان را محاصره کرد.

وضعیت امروز:

پس از گذار دموکراتیک 1989، تلاش ها برای آماده کردن پیش نویس یک قانون اساسی جدید برای چکسلواکی و دولت فدرال، توسط باقیمانده های ساختار کمونیستی و دیگران نادیده گرفته شد. شکاف در جمهوری جدید به عاملی بدل شد که اکثرا از آن تحت عنوان «جدایی مخملی» نام برده اند. دو کشور مستقل تشکیل شد، جمهوری چک و جمهوری اسلواکی. وسلاو کلوس وزیر دارایی و بعدا نخست وزیر گفت که اسلواکی یک عقب گرد اقتصادی بود. در جمهوری چک هاول تا سال 2003 در دفتر ریاست جمهوری ماند. "اجتماع مدنی" به حزب های سیاسی رقیب تجزیه شد. اقتصاد سوسیالیستی به سرعت خصوصی شد و در ابتدا موفقیت های اقتصادی وسیعی نیز کسب شد. شاخه امنیتی حکومت که به تعبیر هاول: مانند عنکبوتی زشت تارهای نامرعی اش را در سراسر جامعه پهن کرده بود، منحل و تجزیه شد. ارتباطات میان نهاد های امنیتی و نظامی قطع شد. قوای نظامی از سیاست دور شد و از کمونیسم فاصله گرفت و به قوای تحت کنترل مردم در آمد. در دوره زمامداری هاول، نیروهای نظامی به نصف کاهش پیدا کرد و تعداد ژنرال ها از 240 نفر به بیست نفر کاهش یافت.

هر دو کشور بعد از چکسلواکی، حکومتی پارلمانی و چند حزبی دارند و تا پیش از بحران اقتصادی 2009 رشد اقتصادی سریعی را تجربه کردند. در شاخص توسعه انسانی سال 2009، رتبه جمهوری چک "خیلی بالا" ارزیابی شد و اسلواکی در رده «بالا» طبقه بندی شد. جمهوری چک اولین کشور اروپای شرقی بود که به سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی OECD ملحق شد. این کشور به همراه اسلواکی به عضویت اتحادیه اروپا نیز در آمد. هزینه های گذار اقتصادی بالا بود و بسیاری از مردم چک در فاصله میان 1988 تا 1993 به صورت قابل توجهی قدرت خرید کالاهای اساسی را از دست دادند.

در سال 1997، در دوره پرزیدنت هاول، گروه موسیقی «مردم پلاستیکی دنیا» دوباره دور هم جمع شدند و در تئاتر ملی پراگ به همراه نمایشی از تام شپرد، مورد قدردانی قرار گرفتند. این نمایش با عنوان «راک ان رول» در شهرهای لندن و نیویورک هم به عنوان جشنی برای پیروزی انقلاب مخملی روی صحنه رفت.